



## «سواد و بیاض» سیرگانی در «سفینه تبریز»

### میلاد عظیمی\*

در باب اهمیت و اعتبار بی مانند کتاب ارجمند «سفینه تبریز»<sup>۱</sup> نوشته اند که: در هر ورقی و گاه در هر سطر از سطرهای آن، نکته‌ای وجود دارد که دریچه‌ای به دانش ادبی و تاریخی پژوهشگران کنون و آینده می‌گشاید و هزاران نکته تازه را در حوزه مسائل تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران آشکار می‌کند.<sup>۲</sup>

یکی از هزاران نکته تازه‌ای که از سفینه تبریز حاصل می‌شود، دستیابی به انتخاب بسیار فشرده‌ای است از «السواد و البیاض»<sup>۳</sup>، خواجه علی حسن سیرگانی کرمانی<sup>۴</sup>، از صوفیان برجسته قرن چهارم و پنجم که در این کتاب گرانسنگ به ودیعه مانده است. توضیح آنکه در صفحه ۵۵ و ۵۶ سفینه تبریز مطالبی وجود دارد که پیشگفتار نویس دانشمند سفینه، به آن عنوان «مقامات و احوال اهل معرفت» داده است. ابتدا یادداشت ایشان را بخوانیم:

مقامات و احوال اهل معرفت - بخشی است از کتابی با عنوانهای «القول» با گواه آوردن از قرآن و حدیث و سخن عرفا؛ از بقیه قول ۳۷ تا قول ۵۷ (فی المشاهدة)، اقوالی از محمد بن خفیف، محمد بن موسی و جمعی از قدمای صوفیه و وعاظ نقل شده است.<sup>۵</sup>

با مقایسه‌ای که میان سفینه تبریز و سه نسخه‌ای<sup>۶</sup> که از سواد و بیاض در دسترس داشته‌ایم، به عمل آمد، معلوم شد که «مقامات و احوال اهل معرفت» انتخابی بسیار موجز از السواد و البیاض است. در این باب، چند نکته زیر قابل ذکر است:

**الف - «مقامات و احوال اهل معرفت»**، در یکشنبه ۱۷ ذی‌قعدة سال ۷۲۲ کتابت شده است؛ در میان نسخه‌هایی که از سواد و بیاض دیده‌ایم، سفینه تبریز از همه کهنه‌تر است. [نسخه بسیار مضبوط کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی مورخ ۷۴۶ق است.] و از این حیث با همه فشرده‌گی، در تصحیح انتقادی سواد و بیاض شایسته توجه و دقت می‌باشد. **ب - اول و آخر «مقامات و احوال اهل معرفت»** در سفینه تبریز افتاده است: این بخش از بقیه «قول» ۳۷ آغاز می‌شود و در ابتدای قول ۵۷ ناتمام می‌ماند. می‌توان حدس زد که انتخابی از تمام ابواب سواد و بیاض به عمل آمده باشد که متأسفانه ناقص مانده است.

**ج - هر عنوان «القول فی...»** اشاره به «بابی» از کتاب با همان عنوان دارد.

**د - اهتمام کاتب بر آن بوده که از هر باب گزینش بسیار موجزی به عمل آورد؛** این گزینش معطوف بوده است به:

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی.

۱ سفینه تبریز، گردآوری و به‌خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی (تاریخ کتابت: ۷۲۱-۷۲۶ق)، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۲ محمد رضا شفیعی کدکنی، «خاقانی و محیط ادبی تبریز بر اساس سفینه تبریز»، نامه بهارستان، س ۴، ش ۱-۲ (بهار - زمستان ۱۳۸۲)، دفتر ۷-۸: ۱۵۹-۱۶۴.   
 ۳ السواد و البیاض: کتابی به زبان عربی مشتمل بر ۷۳ باب و جامع انبوهی از حکایات و اقوال مشایخ صوفیه تا اواخر قرن چهارم هجری که برخی از آنها در هیچ مأخذ دیگری یافت نمی‌شود. استاد شفیعی کدکنی این کتاب را جزو منابع اصلی و طراز اول تصوف تا پایان قرن چهارم می‌داند؛ اثری در قد و قواره التعرف کلابادی، اللمع سراج، تهذیب الاسرار خرگوشی و رساله قشیریه.

۴ درباره خواجه علی حسن نک: خواجه عبدالله انصاری، طبقات الصوفیه، به‌کوشش محمد سرور مولایی (تهران: توس، ۱۳۶۲)، صص ۵۳۹، ۵۴۷؛ ابوسعید ابوالخیر، اسرار التوحید، به‌کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی (تهران: آگاه، ۱۳۶۶)، ۱: ۳۴۳ و ۷۱۲؛ هجویری، کشف‌المحجوب، به‌کوشش محمود عابدی (تهران: سروش، ۱۳۸۳)، صص ۲۶۲، ۷۸۶؛ ابوسعید ابوالخیر، حالات و سخنان، به‌کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی (تهران: سخن، ۱۳۸۴)، صص ۱۳۴، ۲۲۷؛ نیز: ابوطاهر احمد بن محمد سلفی، معجم السفر، به‌تصحیح شیرمحمد زمان (پاکستان: ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ص ۱۴۸.

۵ عبدالحسین حائری، مقدمه سفینه تبریز، ص ۹.

۶ نسخه‌هایی که در اختیار ما بود عبارت است از: نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (قم)، به‌شماره ۱۱۷۰۰، که در این یادداشت به رمز A و نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. 12632 که به رمز B و نسخه کتابخانه ملک، به شماره ۴۲۵۱ که با عنوان «رسالة التصرف» و به رمز C مشخص شده است. دوست عزیز من، آقای دکتر محسن پورمختار (باشنده سیرجان) این کتاب ارجمند را تصحیح کرده‌اند که امید داریم به زودی منتشر شود. فرض است از ایشان به سبب اینکه نسخه‌های سه‌گانه سواد و بیاض سابق‌الذکر را بزرگوارانه در اختیارم گذاشتند، سپاسگزار می‌کنم.

۱. حفظ ساختار کلی کتاب؛ کاتب می‌کوشد در هر «قول» معمولاً یک آیه و یک حدیث بیاورد و سپس چند گفتار از مشایخ. ممکن است در بابتی هم آیه و هم حدیث بیاورد، اما معمولاً بابتی نیست که از یکی از این دو خالی باشد (مگر قول ۴۷ باب «التسلیم»).

۲. برای حفظ اختصار، کاتب جملات کوتاه را برگزیده است.

۳. از انتخاب هر گفتار و پرسشی که در ساختار روایی مبسوط شکل می‌گیرد، اکیداً پرهیز داشته است.

۴. جز در باب «اشعار...»، از برگزیدن اشعاری که به تناسب در هر باب آمده و معمولاً ابواب با آنها پایان می‌یابد، پرهیز کرده است. (مگر در باب «ذکر» که یک شعر را نقل کرده است).

۵. جز یکی دو مورد بسیار کوتاه، کاتب از آوردن تفسیرها و معانی اقوال صوفیه که بعضاً در کتاب دیده می‌شود، خودداری کرده است.

هـ. از حیث محتوایی، به گمان ما کاتب سعی کرده گفتارهایی را از مشایخ برگزیند که کمتر با موازین ظاهری شریعت مبیانت داشته باشد و از سخنان شطح‌آمیز و نیازمند به توجیه و تفسیر و تأویل گویا پرهیز کرده است. و - نکته دیگری که مورد توجه تام کاتب بوده است، این است که انتخاب او از هر باب حدوداً میان ۴ تا ۶ سطر باشد. (البته باب اثبات علم‌الباطن در ۳ سطر و باب محبت تقریباً در ۸ سطر تدوین شده است).

ز - به نظر می‌رسد ترتیب ابواب در نسخه‌های اساس کاتب با نسخه‌های سه‌گانه مقداری متفاوت باشد؛ به هر حال اینکه قول ۳۷ سفینه با باب ۳۵ در نسخه A و B تطبیق می‌کند و یا چند باب - چنانکه خواهد آمد - از دایره انتخاب کاتب (حداقل در ۲ صفحه موجود) برکنار مانده است، قابل تأمل است. شاید مثلاً دو باب «تقوی» و «یقین» در نسخه کاتب پیش از باب ۳۷ (= اشعار) قرار داشته است و یا دو باب از بخش‌های پس از باب «مشاهده» به قبل از باب ۳۷ رفته باشد.

ح - این که کاتب، باب بسیار مهم «معرفت تاریخ مشایخ» را حذف کرده است، با توجه به شیوه انتخابش که مبتنی بر اختصار و نیز گزینش اقوال صوفیه است، کاملاً طبیعی است.

ط - اگر نحوه انتخاب کاتب در تمام اثر همین‌گونه باشد - که قهراً علتی ندارد که روش خود را تغییر دهد - می‌توان حدس زد که اگر نسخه کامل انتخاب کاتب را در اختیار داشتیم، آن انتخاب در حدود ۶ صفحه سفینه تبریز را تشکیل می‌داد؛ از صفحه ۵۳ تا ۵۸ سفینه تبریز.

اکنون به مقایسه مندرجات سفینه با نسخه‌های سواد و بیاض می‌پردازیم:

الف - «قول» ناقص ۷۳۷، باب «ذکر الاشعار الذی أشار به القوم علی اظهار حال أو جواب سؤال» است؛ قس:

۱. «سئل شبلی - رحمه الله - عن حقيقة...»، قس: A: ۱۶۱; B: ۱۳۶b; C: ۵۴a

۲. «وقال رجل للمرتعش...»، قس: A: ۱۶۲; B: ۱۳۷b; C: ۵۴b

ب - قول ۳۸، باب «النظر و تنبيه الناظر» است؛ قس: A: ۱۶۳ - ۸; B: ۱۴۱b - ۱۴۳b; C: ۵۶b - ۵۸

۱. «روی عن النبی - صلعم - أنه...»، قس: A: ۱۶۴; B: ۱۴۱b; C: ۵۷a

۲. «وقال ذوالنون: نعم...»، قس: A: ۱۶۵; B: ۱۴۲a; C: ۵۷a

۳. «قیل و نظر بشر بن الحارث...»، قس: A: ۱۶۵; B: ۱۴۲a; C: ۵۷b

۴. «قال یوسف بن الحسین: کل ما...»، قس: A: ۱۶۵; B: ۱۴۳ab; C: ۵۸a

۵. «قال ابویزید: ما نظرت إلى شیء...»، قس: A: ۱۶۷; B: ۱۴۳b; C: ۵۸a

۶. «قال ذوالنون: إن العبد...»، قس: A: ۱۶۸; B: ۱۴۴a; C: ۵۸a

۷. «قال ابوعمرو: من غلب...»، قس: A: ۱۶۸; B: ۱۴۴b; C: ۵۸b

ج - قول ۳۹، باب «اجازة السفر و...» است؛ قس: A: ۱۶۸ - ۱۷۱; B: ۱۴۴b - ۱۴۶b; C: ۵۸b - ۶۰b

<sup>۷</sup> نسخه ملک (C) از ابتدا افتادگی دارد ولی باب «ذکر اشعار...» در نسخه‌های A و B، باب سی و پنجم است نه سی و هفتم.

<sup>۸</sup> این اعداد نشان می‌دهد که مثلاً باب «النظر...» در نسخه A در چه صفحاتی قرار دارد.



۱. «قال الله: لا يليهم...»، قس: A: ۱۶۸; B: ۱۴۴b; C: ۵۸b  
 ۲. «سئل النبي - صلعم - عنهم...»، قس: A: ۱۶۸; B: ۱۴۴b; C: ۵۸b  
 ۳. «وقال - صلعم - عليكم...»، قس: A: ۱۶۸; B: ۱۴۴b; C: ۵۸b  
 ۴. «وقيل: المسافر...»، قس: A: ۱۶۹; B: ۱۴۵a; C: ۵۹a  
 ۵. «قيل: سمى السفر...»، قس: A: ۱۶۹; B: ۱۴۵a; C: ۵۹a  
 ۶. «قال جعفر الخالدي<sup>۹</sup>: السياحة...»، قس: A: ۱۶۹; B: ۱۴۵a; C: ۵۹a  
 ۷. «قال ابن عطا: يا معشر...»، قس: A: ۱۶۹; B: ۱۴۵a; C: ۵۹a  
 ۸. «قال ابراهيم الخواص: كف...»، قس: A: ۱۶۹; B: ۱۴۵b; C: ۵۹a

نکته: پس از این باب، در هر سه نسخه سواد و بیاض و باب بسیار مهم «معرفة تاريخ مشايخ» وجود دارد که در سفینه تبریز نیست؛

- قس: A: ۱۷۱-۱۸۰; B: ۱۴۷a-۱۵۴a; C: ۶۰a-۶۴a  
 د- قول ۴۰، باب «اثبات علم الباطن» است؛ قس: A: ۱۸۱-۲; B: ۱۵۴a-۱۵۵b; C: ۶۴a-۶۵a  
 ۱. «روى عن عبد الله بن مسعود...»، قس: A: ۱۸۱; B: ۱۵۴a; C: ۶۴a  
 ۲. «قال النبي - صلعم - ان...»، قس: A: ۱۸۱; B: ۱۵۴ab; C: ۶۴a  
 ۳. «قال - عز وجل - واسيخ عليكم...»، قس: A: ۱۸۲; B: ۱۵۵a; C: ۷b  
 ه- قول ۴۱، باب «اثبات الاحوال والمقامات» است؛ قس: A: ۱۸۲-۵; B: ۱۵۵b-۱۵۷b; C: ۷۲b-۷۴a  
 ۱. «قال الله: وما منا الا...»، قس: A: ۱۸۱; B: ۱۵۵b; C: ۷۲b  
 ۲. «قال النبي: الارواح جنود مجنّدة...»، قس: A: ۱۸۲; B: ۱۵۶b; C: ۷۳a  
 ۳. «وسئل الواسطي...»، قس: A: ۱۸۲; B: ۱۵۶b; C: ۷۳a  
 ۴. «سئل بئدار بن الحسين...»، قس: A: ۱۸۲; B: ۵۶b; C: ۶۴b, ۷۳b  
 ۵. «قال الجنيد: الحال نازلة...»، قس: A: ۱۸۳; B: ۵۷a; C: ۶۴b  
 ۶. «قال أيضاً الحال ما يحلّ الاسرار...»، قس: A: ۱۸۳; B: ۱۵۷b; C: ۶۴b

نکته: پس از این باب، در هر سه نسخه سواد و بیاض «باب التقوى و حال المتقى» آمده است. این باب در سفینه تبریز نیست؛

- قس: A: ۱۸۵-۶; B: ۱۵۸a-۱۵۹a; C: ۶۵ab  
 و- قول ۴۲، باب «الصبر و جزاء الصابرين» است؛ قس: A: ۱۸۶-۱۸۸; B: ۱۵۹a-۱۶۱a; C: ۶۵b-۶۶b  
 ۱. «قال الله - عز وجل - انما يوفى...»، قس: A: ۱۸۶; B: ۱۵۹a; C: ۶۵b  
 ۲. «قال ابوبكر الوراق: الصبر...»، قس: A: ۱۸۶; B: ۱۵۹ab; C: ۶۵b  
 ۳. «وسئل الحسين بن منصور عن الصبر...»، قس: A: ۱۸۷; B: ۱۵۹b; C: ۶۶a  
 ۴. «قال حارث المحاسبى: الصبر...»، قس: A: ۱۸۷; B: ۱۵۹b; C: ۶۶a  
 ۵. «وقال الجريري: الصبر ان لا...»، قس: A: ۱۸۷; B: ۱۶۰a; C: ۶۶a  
 ز- قول ۴۳، باب «الخوف و الرجا» است؛ قس: A: ۱۸۹-۱۹۴; B: ۱۶۱a-۱۶۵a; C: ۶۶b-۶۹a  
 ۱. «قال الله - عز وجل - يرجون رحمة...»، قس: A: ۱۸۹; B: ۱۶۱a; C: ۶۶b  
 ۲. «قال النبي - صلعم - لو وزن خوف المؤمن...»، قس: A: ۱۸۹; B: ۱۶۱a; C: ۶۶b  
 ۳. «قال ابوبكر الصديق - رضى الله عنه -...»، قس: A: ۱۸۹; B: ۱۶۱a; C: ۶۶b  
 ۴. «قال ابو عثمان: الخوف من...»، قس: A: ۱۹۰; B: ۱۶۲a; C: ۶۷a  
 ۵. «قال بعضهم: كل محنة لا...»، قس: A: ۱۹۱; B: ۱۶۲a; C: ۶۷a

<sup>۹</sup> در سه نسخه A و B و C «خلدی» آمده است.



۶. «قال يحيى بن معاذ: هذا شىء...»، قس:
۷. «قال احمد بن ابى الحوارى: الرجا...»، قس:
- ح - قول ۴۴، باب «الفكر و...» است؛ قس:
۱. «قال النبى - صلعم - تفكّر...»، قس:
۲. «قال - صلعم - تفكّر...»، قس:
۳. «قال ابوسليمن الداراني: الفكر...»، قس:
۴. «قال الجنيد - رحمه الله - : التفكر...»، قس:
۵. «قال محمد بن عبد الله: الفكرة على...»، قس:
- ط - قول ۴۵، باب «الاستقامة و...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزّوجلّ - إن الذين...»، قس:
۲. «قال ابوعلی الجرجانی: كن طالب...»، قس:
۳. «قال السرى: الاستقامة...»، قس:
- ی - قول ۴۶، باب «التوكل...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزّوجلّ - و من يتوكّل...»، قس:
۲. «قال النبى - صلعم - من توكّل...»، قس:
۳. «قال سهل: من...»، قس:
۴. «قال ابوبكر الوراق: التوكّل...»، قس:
۵. «قال شاه: التوكل سكون...»، قس:
۶. «قال ابراهيم الخواص: التوكّل...»، قس:
۷. «قال الحسين بن منصور...»، قس:
۸. «قال عمر بن سنان: احمل...»، قس:
۹. «قال الواسطى: اربعة...»، قس:
- ک - قول، ۴۷ که باب «التسليم...» است؛ قس:
۱. «قال ابوالحسين النورى: الصدر...»، قس:
۲. «قال ذوالنون: من تعلّق...»، قس:
۳. «قال بعضهم...»، قس:
۴. «قال الحسين بن على: التعويض...»، قس:
- ل - قول ۴۸، باب «المراقبة...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزّوجلّ - ما يلفظ...»، قس:
۲. «قال النبى - صلعم - اعبد الله...»، قس:
۳. «قال جعفر الخالدى (كذا): المراقبة...»، قس:
۴. «قال ابوعثمن المغربى: افضل...»، قس:
۵. «قيل: من راقب الله فى...»، قس:
- نکته: پس از قول ۴۸ (= باب المراقبة و حذر المراقب) در هر سه نسخه سواد و بياض، باب «اليقين و ثبات الموقن» آمده که در سفينه نيست.
- م - قول ۴۹، باب «الصدق...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزّوجلّ - رجال...»، قس:
- A: ۱۹۲; B: ۱۶۳a; C: ۶۷b
- A: ۱۹۳; B: ۱۶۴a; C: ۶۸a
- A: ۱۹۳-۱۹۵; B: ۱۶۵a-۱۶۷a; C: ۶۹a-۷۰b
- A: ۱۹۳; B: ۱۶۵a; C: ۶۹a
- A: ۱۹۳; B: ۱۶۵a; C: ۶۹a
- A: ۱۹۴; B: ۱۶۶a; C: ۶۹a
- A: ۱۹۴; B: ۱۶۶a; C: ۶۹b
- A: ۱۹۵; B: ۱۶۶b; C: ۶۹b
- A: ۱۹۳-۱۹۵; B: ۱۶۷a-۱۶۸a; C: ۷۰ab
- A: ۱۹۵; B: ۱۶۷a; C: ۷۰b
- A: ۱۹۶; B: ۱۶۷ab; C: ۷۰a
- A: ۱۹۶; B: ۱۶۷b; C: ۷۰a
- A: ۱۹۷-۲۰۰; B: ۱۶۸a-۱۷۱a; C: ۷۰b-۷۲a
- A: ۱۹۷; B: ۱۶۸a; C: ۷۰b
- A: -; B: ۱۶۸a; C: ۷۱b
- A: ۱۹۷; B: ۱۶۸a; C: ۷۰b
- A: ۱۹۸; B: ۱۶۸b; C: ۷۱a
- A: ۱۹۸; B: ۱۶۹a; C: ۷۱a
- A: ۱۹۸; B: ۱۶۹a; C: ۷۲a
- A: ۱۹۹; B: ۱۷۰a; C: ۷۱b
- A: ۱۹۹; B: ۱۷۰a; C: ۷۲a
- A: ۲۰۰; B: ۱۷۰b; C: ۷۲a
- A: ۲۰۰-۲۰۲; B: ۱۷۱a-۱۷۲a; C: ۷۲a, ۷۳b, ۷۴a
- A: ۲۰۱; B: ۱۷۱a; C: ۷۳b
- A: ۲۰۱; B: ۱۷۱ab; C: ۷۳b
- A: ۲۰۲; B: ۱۷۱b; C: ۷۳b
- A: ۲۰۲; B: ۱۷۱b; C: ۷۳b
- A: ۲۰۲-۲۰۳; B: ۱۷۲b-۱۷۳b; C: ۷۴ab
- A: ۲۰۲; B: ۱۷۲a; C: ۷۴a
- A: ۲۰۲; B: ۱۷۲b; C: ۷۴a
- A: ۲۰۲; B: ۱۷۲b; C: ۷۴a
- A: ۲۰۳; B: ۱۷۳a; C: ۷۴b
- A: ۲۰۳; B: ۱۷۳b; C: ۷۴b
- A: ۲۰۵-۲۰۶; B: ۱۷۵a-۱۷۶b; C: ۷۶b-۷۷b
- A: ۲۰۵; B: ۱۷۵a; C: ۷۵b

<sup>۱۰</sup> نسخه مشوش است.



- A: ۲۰۵; B: ۱۷۵a; C: ۷۵b  
 A: ۲۰۴; B: ۱۷۵b; C: ۷۶a  
 A: ۲۰۶; B: ۱۷۶b; C: —  
 A: ۲۰۶—۲۰۸; B: ۱۷۶b—۱۷۸a; C: ۷۶b—۷۷b  
 A: ۲۰۶; B: ۱۷۷a; C: ۷۶b  
 A: ۲۰۷; B: ۱۷۷a; C: ۷۷a  
 A: ۲۰۷; B: ۱۷۷ab; C: ۷۷a  
 A: ۲۰۷; B: ۱۷۷b; C: ۷۷a  
 A: ۲۰۸; B: ۱۷۸a; C: ۷۷a  
 A: ۲۰۸; B: ۱۷۸a; C: ۷۷b  
 A: ۲۰۸—۲۱۰; B: ۱۷۸a—۱۸۰b; C: ۷۷b—۷۸b  
 A: ۲۰۸; B: ۱۷۸a; C: ۷۷b  
 A: ۲۰۸; B: ۱۷۸a; C: ۷۷b  
 A: ۲۰۹; B: ۱۷۸b; C: ۷۷b  
 A: ۲۰۹; B: ۱۷۹a; C: ۷۸a  
 A: ۲۰۹; B: ۱۷۹a; C: ۷۸a  
 A: ۲۰۹; B: ۱۷۹a; C: ۷۸a  
 A: ۲۰۹; B: ۱۷۹b; C: ۷۸a  
 A: ۲۰۹; B: ۱۸۰a; C: ۷۸b  
 A: ۲۱۰—۲۱۳; B: ۱۸۰b—۱۸۳a; C: ۷۸b—۸۰a  
 A: ۲۱۰; B: ۱۸۰b; C: ۷۹a  
 A: ۲۱۰; B: ۱۸۰b; C: ۷۹a  
 A: ۲۱۰; B: ۱۸۱a; C: ۷۹a  
 A: ۲۱۰; B: ۱۸۱b; C: ۷۹a  
 A: ۲۱۱; B: ۱۸۱b; C: ۷۹b  
 A: ۲۱۱; B: ۱۸۱b; C: ۷۹b  
 A: ۲۱۲; B: ۱۸۲a; C: ۸۰a  
 A: ۲۱۳—۲۱۶; B: ۱۸۳a—۱۸۵b; C: ۸۰a—۸۱b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۳a; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۳b; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۳b; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۳a; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۳b; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۴a; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۳; B: ۱۸۴a; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۴; B: ۱۸۴a; C: ۸۰b  
 A: ۲۱۴; B: ۱۸۴a; C: ۸۰b

۲. «قال النبي — صلعم —...»، قس:  
 ۳. «قال ابوالحسين: زرعان (كذا) من...»، قس:  
 ۴. «قال الجنيد: الصادق...»، قس:  
 ن — قول ۵۰، باب «الاخلاص...» است؛ قس:  
 ۱. «قال النبي — صلعم —...»، قس:  
 ۲. «قال ابوعثمان: ان...»، قس:  
 ۳. «قال ابوالحسن البوسنجي: الاخلاص...»، قس:  
 ۴. «قال يحيى بن معاذ: من...»، قس:  
 ۵. «قال ذوالنون: ريا...»، قس:  
 ۶. «سئل سهل عن الاخلاص...»، قس:  
 س — قول ۵۱، باب «الشكر...» است؛ قس:  
 ۱. «قال الله — عزوجل — وقليل...»، قس:  
 ۲. «قال النبي — صلعم — اول...»، قس:  
 ۳. «سئل الجنيد عن...»، قس:  
 ۴. «قال أيضاً: الشكر ان...»، قس:  
 ۵. «قال النصرآبادي: من شكر...»، قس:  
 ۶. «قال ابويعقوب: الهى...»، قس:  
 ۷. «قيل: الشاكر من...»، قس:  
 ۸. «قال سهل: شكر العلم...»، قس:  
 ع — قول ۵۲، باب «الذكر...» است؛ قس:  
 ۱. «قال النبي — صلعم — الذكر...»، قس:  
 ۲. «قال محمد بن خفيف: ...»، قس:  
 ۳. «قال الشبلي في...»، قس:  
 ۴. «قال ابوسعيد: ...»، قس:  
 ۵. «سئل عن الذكر...»، قس:  
 ۶. «قال فارس: الذكر...»، قس:  
 ۷. «سئل بعضهم: هل...»، قس:  
 ف — قول ۵۳، باب «المريد...» است؛ قس:  
 ۱. «قال الله — عزوجل —...»، قس:  
 ۲. «قال ابوسعيد القرشي: ...»، قس:  
 ۳. «قوله النبي — صلعم — اكلاني...»، قس:  
 ۴. «قوله — صلعم — اصينى...»، قس:  
 ۵. «قال الحسين بن منصور: ...»، قس:  
 ۶. «قال ابوالحسن النوري: ...»، قس:  
 ۷. «قال الحلاج: المرید...»، قس:  
 ۸. «قال محمد بن موسى: ...»، قس:  
 ۹. «قال ابراهيم — عليه السلام —...»، قس:



۱۰. «قال لنینا - صلعم -...»، قس:
۱۱. «قال المجید: اذا...»، قس:
۱۲. «قال الواسطی: اول...»، قس:
۱۳. «قال ممشاد الدینوری: ...»، قس:
۱۴. «قال یحیی بن معاذ: ...»، قس:
- ص - قول ۵۴، باب «الرضا...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزوجل - رضی...»، قس:
۲. «قال النبی - صلعم - ان...»، قس:
۳. «قال الشبلی - رحمه...»، قس:
- ق - قول ۵۵، باب «المحبة...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزوجل - فسوف...»، قس:
۲. «قال النبی - صلعم - حبک...»، قس:
۳. «سئل الجنید عن...»، قس:
۴. «سئل ابراهیم الخواص...»، قس:
۵. «قال ابوسلیمان...»، قس:
۶. «قال غیره اذا...»، قس:
۷. «وقیل: من صان الحب...»، قس:
۸. «قال ذوالنون خرف...»، قس:
۹. «قال بعضهم جوارح...»، قس:
۱۰. «قال ابویزید من قتله...»، قس:
۱۱. «قال الجنید - قدس...»، قس:
۱۲. «قال الشبلی - قدس...»، قس:
۱۳. «سئل یحیی بن معاذ...»، قس:
۱۴. «قال روم صدق المحبة...»، قس:
۱۵. «قال الحسین بن منصور: رحمه...»، قس:
- ر - قول ۵۶، باب «حسن الخلق...» است؛ قس:
۱. «قال الله تعالی: کونوا...»، قس:
۲. «قال جعفر: أي متحلفین...»، قس:
۳. «قال النبی: علیه...»، قس:
۴. «قال - علیه السلام -...»، قس:
۵. «یقال انّ اهل...»، قس:
۶. «قال الجنید: الخلق...»، قس:
۷. «قال شقیق البلخی: ...»، قس:
- نکته: پس از قول ۵۶ (= باب حسن الخلق و موافقه اهله)، در نسخه A باب «اثبات الکرامات» آمده ولی در نسخه‌های B و C این باب پس از قول ۵۷ (= باب المشاهدة) آمده است.
- ش - قول ۵۷، که «باب المشاهده...» است؛ قس:
۱. «قال الله - عزوجل - إنّ فی ذلك...»، قس:
- A: ۲۱۴; B: ۱۸۴a; C: ۸۰b
- A: ۲۱۴; B: ۱۸۴b; C: ۸۱a
- A: ۲۱۴; B: ۱۸۴b; C: ۸۱a
- A: ۲۱۴; B: ۱۸۴b; C: ۸۱a
- A: ۲۱۴; B: ۱۸۴b; C: ۸۱a
- A: ۲۱۶ - ۲۱۸; B: ۱۸۵b - ۱۸۷b; C: ۸۱b - ۸۲b
- A: ۲۱۶; B: ۱۸۵b; C: ۸۱b
- A: ۲۱۶; B: ۱۸۵b - ۱۸۶a; C: ۸۱b
- A: ۲۱۷; B: ۱۸۷a; C: -
- A: ۲۱۸ - ۲۲۳; B: ۱۸۷b - ۱۹۱b; C: ۸۲b - ۸۵a
- A: ۲۱۸; B: ۱۸۷b; C: ۸۲b
- A: ۲۱۸; B: ۱۸۸a; C: ۸۳a
- A: ۲۱۹; B: ۱۸۸a; C: ۸۳a
- A: ۲۱۹; B: ۱۸۸b; C: ۸۳a
- A: ۲۱۹; B: ۱۸۸b; C: ۸۳a
- A: ۲۱۹; B: ۱۸۸b; C: ۸۳a
- A: ۲۲۰; B: ۱۸۹a; C: ۸۳b
- A: ۲۲۰; B: ۱۸۹a; C: ۸۳b
- A: ۲۲۱; B: ۱۸۹b; C: ۸۳b
- A: ۲۲۱; B: ۱۸۹a; C: ۸۴a
- A: ۲۲۱; B: ۱۸۹b; C: ۸۴a
- A: ۲۲۱; B: ۱۸۹b; C: ۸۴a
- A: ۲۲۱; B: ۱۹۰b; C: ۸۴a
- A: ۲۲۲; B: ۱۹۰b; C: ۸۴b
- A: ۲۲۳; B: ۱۹۱b; C: ۸۵a
- A: ۲۲۳ - ۲۲۶; B: ۱۹۱b - ۱۹۴a; C: ۸۵a - ۸۶a
- A: ۲۲۳; B: ۱۹۱b; C: ۸۵a
- A: ۲۲۳; B: ۱۹۱b; C: ۸۵a
- A: ۲۲۴; B: ۱۹۲a; C: ۸۵a
- A: ۲۲۴; B: ۱۹۲a; C: ۸۵a
- A: ۲۲۳; B: ۱۹۲a; C: ۸۵a
- A: ۲۲۴; B: ۱۹۲b; C: ۸۵a
- A: ۲۲۴; B: ۱۹۲b; C: ۸۵b
- A: ۲۲۷ - ۲۳۳; B: ۱۹۴a - ۱۹۵b; C: ۸۶b - ۸۷a
- A: ۲۲۴; B: ۱۹۴a; C: ۸۶a



تعیین اعتبار ضبط‌های «سفینه» از رهگذر مقایسه آن با سایر نسخه‌های سواد و بیاض و نیز منابع جنبی که در تصحیح این کتاب بزرگ باید همواره مورد مراجعه باشد، می‌تواند نمایی از ارجح و اعتبار «مادر نسخه» مورد استفاده در سفینه تبریز ارائه کند. اما این کار در حوزه صلاحیت مصحح کتاب است و ما تنها نمونه‌وار به چند مورد اختلاف قابل توجه میان متن سفینه با سواد و بیاض اشاره می‌کنیم؛ مثلاً در قول ۴۹ (= باب الصدق و مرتبة الصادق) آمده است: «قال الجنید: الصادق من یکون مواسیاً للاخوان و قلبه منفرد بالرحمن» که این سخن در نسخه‌های سه‌گانه بیاض و سواد به شبلی منسوب است؛ قس: A: ۲۰۶; B: ۱۷۲b; C: ۷۶b

یا در قول ۴۳ (= باب الخوف و الرجاء) آمده است: «قال یحیی بن معاذ هذا شی وری بک خایفاً فکیف شی وری بک آمناً و خایفون علی طبقات... أن لا یقتل» در حالی که در هر سه نسخه سواد و بیاض عبارت پس از «آمناً» تا «أن لا یقتل» به جنید نسبت داده شده است؛ قس: A: ۱۹۳; B: ۱۶۰a; C: ۶۸a

و یا در این گفتار عبارت «سئل الشبلی - رحمه الله - عن حقیقة متابعة الاسلاف، فقال: ان تموت عنک نفسک...» در هر سه نسخه سواد و بیاض و نیز مناقب الأبرار<sup>۱۱</sup> «متابعة الاسلام» دارد.

و آخر «و قال ابوعلی الجرجانی: کن طالب الاستقامة لا طالب الکرامة...»، این گفتار در هر سه نسخه السواد و البیاض و نیز رساله قشیری<sup>۱۲</sup> و نیز ترجمه آن رساله<sup>۱۳</sup> و تذکره الاولیاء<sup>۱۴</sup> به نام ابوعلی جوزجانی<sup>۱۵</sup> نقل شده است.

<sup>۱۱</sup> حسین بن نصر، معروف به ابن خمیس موصلی، مناقب الأبرار و محاسن الأخیار فی طبقات الصوفیه، به کوشش سعید عبدالفتاح (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۶/۱۴۲۷)، ۲: ۴۶.

<sup>۱۲</sup> عبدالکریم بن هوازن قشیری، الرسالة القشیریة، به کوشش عبدالحلیم محمود، محمودبن شریف (قاهره: دارالشعب، بی تا)، ص ۳۱۲.

<sup>۱۳</sup> قشیری، ترجمه رساله قشیریة، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴، ۱۳۷۴)، ص ۳۱۹.

<sup>۱۴</sup> عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، به کوشش رنولد الن نیکلسون (لیدن: بریل، ۱۹۰۵-۱۹۰۷)، صص ۲۴۶-۲۴۹.

<sup>۱۵</sup> ابوعبدالرحمن محمد سلمی، طبقات الصوفیه، بتحقیق نورالدین مثریبه (قاهره: مکتبة الخانجی، ط ۳، ۱۴۱۸/۱۹۹۷)، صص ۲۴۶-۲۴۹؛ عبدالله هروی انصاری، طبقات الصوفیه، ترتیب عبدالحمی حبیبی قندهاری (کابل: ۱۳۴۱)، ص ۲۶۹؛ ابن خمیس، مناقب الأبرار، ۱: ۳۹۵-۳۹۶؛ ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، دراسة وتحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۳)، ۱۰: ۳۷۳-۳۷۴. یک نکته گفتنی است، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (به کوشش عبدالحمین نوائی. تهران: امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۶۲)، ص ۶۴۸، که با فاصله کمتر از یک دهه از سفینه تبریز تألیف شده است، نام ابوعلی جوزجانی مثل سفینه تبریز ابوعلی جرجانی آمده است؛ در یکی از نسخه بدل‌های طبقات سلمی (ص ۲۴۶)، و طبقات الصوفیه انصاری (چاپ مولایی، ص ۳۲۹) نیز نام او جرجانی آمده است؛ و در حلیة الاولیاء (۱۰: ۱۱۳) و نیز در مناقب الأبرار (۱: ۷۱) و در نسخه برگردان هزار حکایت صوفیان از نویسنده ناشناخته به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار (تهران: طایفه، ۱۳۸۲، گ ۵۰ر)، از شخصی به نام علی جرجانی نام برده شده که شاید منشأ این خلط باشد.



تذویر و التواکل سلمیه له ذحاله و روده و التلم مقابله البلاء نجس الصبر والعواء **القول ۳۰** في المراقبة وحذر المراقب  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن قول الأديب ربيع بن عبد وقاب النبي صلعم عبد الله كأنك تراه قال نعم تراه فإنه يزال وقال جعفر الخالدي المراقبة لدى المراقبة مرعاة البز  
بملاحظة الصبر على كل خطر وقال أبو عسقلان المراقب أفضل ما يلزم الإنسان في هذا الظرفية المحاسبة والمراقبة وسياسة عليه بالعلم وفيل من رأى الله في  
لقلبه حرسه الله في عقله **القول ۳۱** في الصدق ومربية الصلوة  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن رجل صدق فأنما صدقوا ما صدقوا الله عليه وقال  
النبي صلعم الصدق يهدي إلى البر والبر يهدي إلى الجنة وقال أبو الحسين زرعيان من كبر كبر الصدق صبارا للعب له عيانا ومن أحب شئنا غير الله نغنى الله يحيى  
ويزيأ به طرد وقال الخبيد الصادق من يكون صابرا للأخوان وقلة مستغز بالرحمن **القول ۳۲** في الاخلاص وطهارة الخلق  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن الاخلاص ما هو فقال سأل الله عنه فقال موسى من سئى استودعته قلبا حسينا من عبادى وقال أبو عثمان انما الاخلاص انما  
وقلتك بصدق لسائل وقال أبو الحسن الموسجى الاخلاص ما لا يكتبه الملكان ولا يفسد الشيطان ولا يطلع عليه انسان وقال عبيد بن زياد من اخلاص قلبه الخصال  
يرى صحته والا على قوله وقال ذوالنون ربا العارفين اخلاص المرء من سبيل سهل عن الاخلاص ما هو فقال سأل عن اخلاص المرء من سبيل سهل عن اخلاص المرء من سبيل سهل عن  
ويأتيه روح الله **القول ۳۳** في الشكر  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن رجل شكر فقال موسى من سئى استودعته قلبا حسينا من عبادى وقال أبو عثمان انما الاخلاص انما  
الله في الشكر والفضل وسبيل الخبيد عن حقيقة الشكر فقال ان الاستعانة بغيره على حاجته وقال ايضا الكون لا يرى نفسه اصلا للغة وقال الفضل بن يونس  
من شكر العفة زاد عفته ومن شكر المعمر زاد معرفته ومحبة له وقال أبو يعقوب الهروي لا زاد ولا للغة اذا شكرت ولا اقلها اذا كفرت وسئل الشافعي عن شكره على  
المعاش والشكر من شكر على البلاء وقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۴** في الذكر وقفا الذكر  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن الذكر فقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۴** في الذكر وقفا الذكر  
الذكر كونه فاذا ذكرها وقال محمد بن عفيف حقيقة الذكر افراد المذكور وانما ذكره وقفا السبيل في محمل الخبيد الله فقال له الخبيد يا بائس الخبيد عارلم  
قال كان يوما قالوا لعلته وان كنت تذكر من مشاهدته فهو من شكر الخبيد وقال ابو حنيفة الهروي اذا عرفت العقول في الادراك فصنعت النفوس من الارباب وسبيل الذكر  
فقال عيسى الذاكر عن الذكر انما قول الا اني اسأل اكثر ذكرا ولكن بذكره لسانى وقال فارس الذكر انما تزود القلب او طرد الغفلة وسبيل  
بعضهم هل في الجنة ذكر فقال ذكرا طرد الغفلة فاذا ارتقت الغفلة فلا معنى للذكر **القول ۳۵** في المراد والمراد  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن المراد والمراد  
يشاء وهدى المراد من وقال ابو سعيد العري ايجاد صفة المراد والهداية صفة المراد واراد الله المراد من تشيئه من غير شرط واسن طاعى المراد بقوله وهدى المراد  
من يرب وقوله النبي صلعم الكافي كرامة المراد قوله صلعم احبى سبيلنا وامتنع سبيلنا الحديث هو صفة المراد وقال الحسين بن منصور المراد من سبق  
اجتهاد في الشوق والمراد من سبق كسوفه اجتهاده وقال ابو الحسين الفوري المراد عطاء والمراد سكران وقال الخلاج المراد في ظل التوبة والمراد في ظل  
الحبة وقال محمد بن يحيى المراد بخرى رجده الى نفسه والمراد بخرى اوار قدسية وقال ابراهيم بن محمد المراد في قوله صلعم لوم لوم العوي  
الله المراد وقال الخبيد اذا اراد الله بالمرء خيرا اودعه الى الصوفية وسعة صحبة الغراء وقال الواسطي اول مقام المراد ارادة الخبيد ارادته وقال محمد بن  
الديلمي ان عيسى بن يقربا لقبير الصادق قال لي بلغني بالمرء المتفق وقال يحيى بن عمار علامة المراد اذا اتهمته نبيه عن فكره واذا اطلبته وحده في ذكره  
**القول ۳۶** في الرضا ودرجات الرضا  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن الرضا فقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۶** في الرضا ودرجات الرضا  
والفرج في الرضا والفرج جعل العلق والخز في السك والسخط وقال النبي صلعم الرضا من رضى الله عنه ورضاه عنه وقال النبي صلعم ان الله يتوكل في خلقه وطلبه جعل الروح  
صدى ورضى الصدق يكون الرضا بالرضا **القول ۳۷** في ذكر المحبة وخرى المحبة  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن المحبة فقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۷** في ذكر المحبة وخرى المحبة  
وتحبه وقال النبي صلعم حبك للنبي يحيى ويحيى وسبيل الخبيد عن المحبة فقال دخول صفات المحبة على المراد من صفات المحبة وهو قوله حتى احبه فاذا احبه  
وسبيل اوهم الخواص عن المحبة فقال يحيى الارادات واحترق جميع الصفات والحاجات وقال ابو سليمان اذا احببتك سترك وغارت عليك اذ احببتك سترك  
وادي عليك وقال غيره اذا احببتك اناك واذا احببتك اناك وسبيل من صفات المحبة ظفر بالمحبة وقال ذوالنون خرف ترك المحبة مع اقامة الخيبة  
وقال بعضهم جوارح المحبة وقف على المحبة وقال ابو عبد من قتلته حبه فذنته رويته ومن قتلته عطفته فذنبه سادته وقال الخبيد قدس امره  
اذا صح المحبة سقط شرط الادب وقال الشبلي قدس الله روحه تحببت المحبة محبة لاها لمحو من القلب ما سوى المحبة وسبيل يحيى بن عمار صلعم  
تقبل المحبة راحة على الجيب قيل وكان كثيرا ما يشد هذين البيتين يا حبة الخبز ناسخ من اللوم فلم تحس في المحبة عجزا وكذا ليس احب شيئا من في الشوق  
وقال روم صدق المحبة الفرائض المحبوب والحائمه اذا تصدرة وقال الحسين بن منصور راحة الله حبيبة المحبة قيامك محبوك لطلب الاوصاف والآصاف  
باوصافه **القول ۳۸** في حسن الخلق وموافق اهله  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن حسن الخلق فقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۸** في حسن الخلق وموافق اهله  
النبي صلعم اوجى امره رجل الى ابراهيم عليه السلام انما طيبك حسن خلقك ولوم الكفار يدخل مدخل الابرا فان كل من سمعت لمحسن خلقه امله تحت عرشى واسلمة حفيوة  
ندى واسلمة من حوازي وقال علاء الدين بن عيسى انما طيبك حسن خلقك ولوم الكفار يدخل مدخل الابرا فان كل من سمعت لمحسن خلقه امله تحت عرشى واسلمة حفيوة  
وقال الخبيد لخلق اربعين شيا من السخاوة والالفه والنصيحة والشفقة وقال سفيان الثوري افضل اخلاق من اربعة اشياء اولها الكرم عند الغنى والثبات  
عند البلاء والورع والخشوع وهذا القول عند من يخاف من محافده **القول ۳۹** في المشاهدة  
قال ابن عسقلان رجل سأل عن المشاهدة فقال سهل بن عبد الله عليه السلام في العلم زيادة في العلم **القول ۳۹** في المشاهدة

برگی از «سفینه تبریز»، سده ۸ ق (نقل از نسخه عکسی سفینه تبریز، تهران: ۱۳۸۱، ص ۵۶).